



شهید سید حسین اسفندفرد (سادات حسینی)

ولادت: ۱۳۳۸/۴/۱۱، عراق

کارمند مرکز پزشکی، آموزشی و درمانی بوعلی

شهادت: ۱۳۶۱/۸/۱۱، عین خوش

آرامگاه: تهران، بهشت زهرا، قطعه ۲۸، ردیف ۴۱، شماره ۸

زندگی نامه

شهید سید حسین سادات حسینی در یازدهم تیر ۱۳۳۸ مصادف با عاشورای حسینی در جوار مرقد سیدالشهدا (ع) در کربلا متولد شد. دوران تحصیل را تا زمان کسب مدرک دیپلم در تهران گذراند. او علاوه بر تحصیل، در بیمارستان بوعلی تهران نیز کار می کرد.

با آغاز جرقه های انقلاب اسلامی، در زمره نخستین کسانی بود که در تظاهرات مردمی به ویژه اطراف دانشگاه تهران شرکت می کرد و بر اثر تیراندازی ساواک مجروح شد. مبارزه علیه جریان های الحادی داخلی از جمله جریان بنی صدر و منافقان، شرکت در بسیج و تأسیس انجمن اسلامی دبیرستان پانزده خرداد، فعالیت در انجمن اسلامی بیمارستان بوعلی و راه اندازی نمازخانه در این بیمارستان از جمله فعالیت های وی بود. او بارها در جریان انقلاب به جوانان مجروح یاری رساند و بعدها در جبهه نیز از این تخصص بهره جست. در سال ۱۳۵۹ دیپلم خود را دریافت کرد و سپس به خدمت سربازی اعزام شد و تا هنگام شهادت در بسیاری از عملیات های بزرگ، داوطلبانه شرکت داشت. در نامه هایی که در دوران جنگ برای خانواده ارسال می کرد، همواره از این که خداوند او را نمی پذیرد و به مقام شهادت دست نمی یابد، گله داشت و در آخرین نامه به خانواده از شهادت خود خبر داد. تا این که در یازدهم آبان ۱۳۶۱ در منطقه عملیاتی عین خوش به شهادت رسید.

فرازی از وصیت‌نامه

خانواده عزیزم! می‌خواهم کمی با شما درد دل کنم... چون این آخرین وصیت بنده حقیر و کوچک می‌باشد و بعد از آن، با ملت شهید پرور و قهرمان ایران سخن می‌گویم.

خانواده گرامی! امیدم به شماست که در حقیقت امید آینده اسلام هستید و از دور دست پدر و مادر عزیز و بهتر از جانم را که حق بزرگی به گردن من گنهگار دارید، می‌بوسم. إن شاء الله در نماز جمعه، این فریضة عبادی و سیاسی، شرکت کنید که همانا رسیدن به رب العالمین است. بهترین سفارشی که به شما دارم این است که خدا را که همیشه در وجود شما است، فراموش نکنید. پشتیبان ولایت فقیه باشید که همانا استمرار حرکت انبیاست و به کلمات جان‌بخش و متعالی امام گوش فرا دهید و بدان عمل کنید.

و در آخر، سختم این است که بعد از من برادرانم اسلحه‌ام را بردارند و با غارتگران و منافقان بجنگند. شهادت یک نوشیدنی کمیاب است که به هر کس اعطا نمی‌شود و شهید همیشه و در همه حال به وجه‌الله نظر می‌کند. اگر شهادت نصیب من شد، ناراحت نشوید؛ چون راه خود را پیدا کرده‌ام و آنقدر جستجو کردم تا سرانجام به مقصود رسیدم. برایم گریه نکنید که گریه بر شهید جایز نیست؛ بلکه همیشه زنده و جاوید است تا روز محشر و قیامت.

ملت شهید پرور!

پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به این مملکت و احکام خدا و اسلام نرسد. ولایت فقیه پلی محکم در برابر ستمگران و منافقان و مستکبران و نیرویی برای قلع و قمع و نابودی آنهاست. امت حزب الله! آنان که ولایت فقیه، این اسطوره و محور اسلام را باور ندارند و به هیچ اصل و قانونی پای‌بند نیستند، مارقند و فاسقند و باید آنها را از صفحه روزگار و انقلاب اسلامی محو و نابود کرد. ولایت فقیه از زمان پیامبر اسلام (ص) پیاده شده و همان ولایت ائمه اطهار است و در عهد دوازدهمین امام در زمان غیبت صغری، نواب خاص آن حضرت و در زمان غیبت کبری، مجتهدین و مراجع اعظم و اعلم و فقها که رابط امام زمان و ملت مؤمن و مسلمان می‌باشند. در این برهه از زمان، امام و رهبر بزرگوار ما «روح‌الله الموسوی الخمینی» روحی له الفداء می‌باشد. خصوصیات این بزرگواران مرجعیت، قضاوت، رهبری و حکومت بر امت و کشور مسلمان است و حکومت آنها برای رسیدگی به گرفتاری‌های ملت و جلوگیری از فساد و کارشکنی دولت‌مردان و مردم است. آخرین سختم آن است که در مجالس و فرایض دینی و مذهبی از قبیل نماز جمعه، دعای کمیل و کلاس قرآن برای فراگیری امور دنیوی، اخروی و معنوی شرکت کنید تا دست منافقان، کافران و ملحدان قطع و نقشه‌هایشان نابود شود.^۱